

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

۲۳ سپتمبر، ۲۰۲۴

نویسنده: سوشاند سارین (Sushant Sareen)

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

## زمانیکه کشتی رهنما غرق میشود: دالان اقتصادی چین - پاکستان در حال فرو ریختن است



امواج تکان دهنده ناشی از عملیات بسیار بغرنج، اما هماهنگ و کاملاً ویرانگر به اسم هرروف (Herof) اردوی آزادی بخش بلوچستان (Balohistan Liberation Army) هنوز هم در داخل پاکستان احساس می شود، جایی که دولت و اردو روش ناکام خود را برای سرکوب مقاومت بلوچ دو برابر ساخته اند.

در حالیکه وزیر داخله بلوچستان که به نظر می رسد نماینده موسسه نظامی است، به یک عملیات نظامی کامل اشاره کرده است، وزیر فدرال، محسن نقوی، نظر متفاوتی را مبنی بر عدم نیاز به اردو ابراز داشته است. طبق اظهاریه وی، موجودیت یک مرکز پولیس محلی غرض مقابله با شورش در بلوچستان کافی است. هرچند که اگر مشکل بلوچستان به این سادگی میبود، مدت ها قبل حل میشد. در عوض، این معضله به یک شورش تمام عیار مبدل شده است که از حمایت مردم برخوردار است.

همه چیز به بن بست رسیده است و اختر منگل، یک رهبر سیاسی برجسته و وزیر عالی‌رتبه سابق، ادعا می‌کند که نه سیاستمداران جریان اصلی و نه فعالانی مانند دکتر ماهرنگ بلوچ نیرومند و کمیته بلوچ پاکجھتی (Yakjheti) در بلوچستان بسیار با اهمیت اند. او متقاعد شده است که اردو باید با شورشیان صحبت کند، زیرا آنها افراد مسئول بوده و در مقام تصمیم‌گیری قرار دارند.

در طول سالیان متمادی، بیجینگ با نگرانی رو به تزاید شاهد وضعیت رو به وخامت در بلوچستان بوده است. یک دهه قبل، زمانیکه چین از دالان بسیار با اهمیت اقتصادی چین-پاکستان (CPEC) پرده برداشت، پاکستان آن را به عنوان مرمی جادویی معرفی کرد که تمام مشکلات اقتصادی، امنیتی و سیاسی این کشور را حل می‌کند. به نوبه خود، چینی‌ها وضعیت CPEC را بالا بردند و آن را طرح "گل سرسبد" ابتکار کمربند و جاده (BRI) رئیس‌جمهور شی جین پینگ نامیدند. طرح چین با استفاده از CPEC برای بازسازی و ثبات پاکستان بود، اما کارگر واقع نشد. بیش از همه، CPEC ثابت کرده است که بسیار بی‌ثبات‌کننده است. پاکستان را در دام بدهی گرفتار کرده است، پروژه‌های بسیار پرمصرفی را در این کشور ایجاد نموده و منجر به پیامدهای سیاسی منفی شده است که در خشم رو به افزایش نسبت به چینی‌ها در میان جوامع به حاشیه رانده شده مانند بلوچ‌ها مشهود است.

مانند بقیه طرح‌های BRI، طرح CPEC هم نیز دچار تزلزل شده است. دالانی که از گوادر در بلوچستان تا گذرگاه خنجراب در گیلگیت-بالتستان امتداد می‌یابد، نه تنها در دو انتهای خود، بلکه در بقیه مسیر نیز با مشکل جدی مواجه گردیده است. برخی از مشکلاتی که CPEC را در بر گرفته است در تمام بخش‌های پاکستان و مناطق تحت کنترل پاکستان مشترک است - سیاست‌گذاری ضعیف، عملکرد نادرست، بی‌ثباتی سیاسی، بحران اقتصادی، و رخوت اداری. اما در گیلگیت-بالتستان و بلوچستان، بُعد امنیتی به یک مانع بزرگ تبدیل شده است. طبق گفته یک خبرنگار پاکستانی "G2G"، مسیر CPEC از گیلگیت به گوادر، اکنون مرکز حملات شبه‌نظامیان است که هدف آنها جلوگیری از استفاده کامل چین از پتانسیل CPEC در پاکستان است."

گیلگیت-بالتستان به عنوان یک میدان جنگ فرقه‌ئی بزرگ در حال ظهور است، جایی که تحریک طالبان پاکستان (TTP) و سائر گروه‌های تروریستی جهادی از جمله دولت اسلامی خراسان در آن فعال شده‌اند. چینی‌ها نیز در تیررس این تروریست‌ها هستند. در حالیکه پاکستانی‌ها تمایل دارند این حملات را به یک توطئه بین‌المللی علیه CPEC نسبت دهند، واقعیت امر غیرعادی به نظر میرسد. جهادی‌ها دلایل ایدئولوژیک و تکتیکی خود را برای هدف قرار

دادن چینی‌ها دارند. نا آرامی فزاینده ای ناشی از تنش های فرقه ئی، مشکلات اقتصادی، و چرخش سیاسی در منطقه گیلگیت- بالتستان تحت اشغال پاکستان وجود دارد. کل منطقه که به عنوان مدخلی به سوی چین عمل می کند، زمینه مناسبی برای فعالیت گروه های ضد پاکستانی است. طبیعتاً، چینی‌هایی که در این زمینه فعالیت می نمایند، شکار منطقی برای جهادی ها هستند، زیرا هدف قرار دادن آنها بین پاکستان و چین که بزرگترین حامی پاکستان است، شکاف خلق می نماید. حتی قبل از حمله انتحاری به مهندسان چینی در بشام در ماه مارچ سال گذشته، این نگرانی وجود داشت که افراد چینی که در پروژه های مختلف کار می کردند در معرض تهدید جدی قرار دارند.

در بلوچستان وضعیت از نظر چین ها بدتر است. اضطراب زیاد و رو به تزایدی در این ولایت وجود دارد. حملات به نیروهای امنیتی پاکستان به یک امر عادی تبدیل شده و هدف قرار دادن پروژه ها و افراد چینی یک خصوصیت عادی به خود گرفته است. جنگجویان بلوچ نه تنها در بلوچستان بلکه در کراچی نیز به چینی ها حمله می کنند. این حملات دلیل عمده ای است که چرا تقریباً تمام طرح های بزرگ CPEC در حال از بین رفتن اند. سرمایه گذاری چین در CPEC و پروژه های دیگر در پاکستان یا به شدت کاهش یافته یا متوقف شده است.

موضوع بندر گوادر، یکی از محورهای CPEC، در این اواخر بلند نشده است. عملاً هیچ ترافیک تجاری نه وارد و یا از بندر بیرون شده است. وضعیت به جایی رسیده است که دولت پاکستان تمام ادارات دولتی را مجبور کرده است تا ۵۰ درصد از واردات عمده خود را از طریق گوادر برای ایجاد ترافیک در بندر انجام دهند. گوادر به قلعه ای تبدیل شده است که بلوچ های محلی به دلایل امنیتی کاملاً از آن محروم گشته اند. خشم علیه چینی ها و مجریان محلی پاکستانی آنها به اوج خود رسیده است، زیرا تمام وعده ها و رویاهای بلندی که به مردم محلی نشان داده شد، عملی نشده است.

از نظر گاه بلوچ ها، چینی ها استعمارگران نوین اند. نحوه اداره توسعه گوادر تنها این تصور را تقویت کرده است که بیجینگ و اسلام آباد از منابع بلوچ بهره برداری می کنند بدون اینکه منافع واقعی برای جوامع محلی را میسر سازد. در هر صورت، هر جا که چینی ها حضور داشته باشند، مناطق محلی بلوچ به نوعی مناطق ممنوعه تبدیل شده است که ساکنان آن برای رفت و آمد به مجوز نیاز دارند و هر روز با هتک حرمت عبور از پست های امنیتی در سراسر منطقه مواجه میشوند. این روش های آپارتاید مانندی که در بلوچستان اعمال میشود، چینی‌ها را هدف جنبش های اعتراضی سیاسی مانند راه پیمائی اخیر بلوچ راجی موی یا تداوم "حق دو

تحریک" تبدیل کرده است. این عملیات نظامی جنگجویان بلوچ که نیروهای امنیتی پاکستان و طرح ها و پرسنل چینی را هدف قرار می دهند، توجیه می کند.

برای چینی ها، CPEC به یک مشکل بزرگ تبدیل گردیده است. به عوض جلب نظر مردم در حاشیه پاکستان، به تضادهای آنها افزوده است که بسیاری از آنها اکنون متوجه چین هستند. لفاظی ظاهراً زیبا در مورد CPEC که یک "بازی تغییر دهنده" است، کاملاً بی معنی است.

در حالیکه پاکستان از نظر ستراتیژیک برای چین مهم است، اما در حال تبدیل شدن به یک معضله اقتصادی است. طرح های CPEC که مفیدیت دارند، پول را بلع می کنند. پاکستان از پرداخت ها، بخصوص پروژه های برق که تحت CPEC راه اندازی شده، عاجز مانده است.

بسیاری از طرح های حیاتی برای CPEC متوقف شده اند. با این حال، پاکستان نه تنها از چین می خواهد که میلیاردها دلار در پروژه های جدید سرمایه گذاری کند (بسیاری از آنها از نظر مالی غیرممکن است) بلکه به دنبال مذاکره مجدد در مورد شرایط وام های گرفته شده برای پروژه های قبلی CPEC است. با این حال، چینی ها تمایلی به مذاکره مجدد درباره قراردادهای گذشته CPEC حتی برای "برادر آهنین" خود ندارند. زیانهای اقتصادی مرتبط با CPEC همراه با نگرانیهای امنیتی رو به افزایش منجر به کاهش قابل ملاحظه در سرمایه گذاری چین شده است.

تا آنجا که به چینی ها مربوط می شود، از دست دادن پول در پاکستان کافی ناخوش آیند بود، اما از دست دادن حیات غیرقابل پذیرش است. این پیامی است که اکنون به طور علنی توسط مقامات چینی به پاکستان فرستاده می شود. چینی ها روشن ساخته اند که سرمایه گذاریهای چین اکنون نه تنها به بهبود شرایط امنیتی، بلکه به ثبات سیاسی و محیط رسانه ای "دوستانه" نیز بستگی دارد.

تا آنجائیکه به رسانه های جریان اصلی مربوط می شود، تشکیلات نظامی توانسته است آنها را تحت انقیاد درآورد. اما ثبات سیاسی دور از تصور است. تلاش ها برای تحمیل نوعی حکومت نظامی با چهره غیرنظامی به نتیجه نمی رسد. در حقیقت، آنها از نظر عملی و ادراکی به بی ثباتی می افزایند. بهبود محیط امنیتی از نظر اقتصادی و همچنین نظامی دشوارتر است. حتی در سطح فعلی سرمایه گذاری چینی ۲۱ میلیارد دلاری، پاکستان متعهد است بیش از ۲۰۰ میلیون دالر برای امنیت مصرف نماید. اگرچه پاکستان نزدیک به دو فرقه قوا برای تامین امنیت پروژه های CPEC آماده ساخته است، تشدید خشونت ها نشان داده است که این کافی نیست.

چینی ها پاکستانی ها را تحت فشار قرار می دهند تا اقدامات خود را انجام دهند و هر کاری که لازم است برای تضمین امنیت پروژه ها و نفرات شان انجام دهند. چند سال قبل گزارش یافت

که چینی ها رابطه جداگانه خود را با جدائی طلبان بلوچ باز کرده اند. اعتقاد بر این است که آنها از رشوه برای جذب جدائی طلبان و جلوگیری از حملات به پروژه ها و نفرات آنها استفاده کرده اند. اما به نتایج اندک دست یافتند. حملات افزایش یافته است. در نتیجه، موضع چین از مواضع اولیه اش مبنی بر این که رشوه ها و مذاکرات میتواند اوضاع را تحت اداره درآورد، تغییر کرده است تا جائی که پاکستان را تحت فشار قرار می دهند تا عملیات نظامی وسیعی را برای از بین بردن تهدیدات امنیتی آغاز نماید.

در ماه می گذشته، یک اخبار پاکستانی با اسم بز نس ریکوردر (Business Recorder) در صفحه اول خود نوشت که چین از پاکستان خواسته است تا عملیات تهاجمی دیگری مشابه عملیات "ضرب ازب" علیه تندروان انجام دهد. در عرض چند ساعت پس از انتشار، این خبر به سرعت حذف شد حتی نسخه الکترونیکی آن از بین رفت. اما چند هفته بعد دولت پاکستان عملیات نظامی وسیع جدیدی را به نام "عزم استحکام" اعلام کرد. در عرض چند روز، پس از یک حملات گسترده از سوی مردم منطقه که مخالف هرگونه عملیات نظامی جدید بودند، دولت مجبور به عقب نشینی گردید. مقامات دولت پاکستان توضیح دادند که این یک عملیات نظامی همه جانبه نبوده بلکه صرف یک عملیات هدفمند و مبتنی بر استخبارات بود.

هر دو چین و پاکستان اکنون در بلاتکلیفی قرار دارند. از نظرگاه پاکستان، اگر عملیات نظامی در مقیاس بزرگ آغاز شود - عملیات نظامی از حدود سال ۲۰۰۱ در بلوچستان ادامه دارد - کل منطقه حتی بیشتر از آنچه در حال حاضر است، برهم خواهد خورد. گرچه مقامات پاکستانی مدعی هستند که عملیات بزرگی انجام خواهد شد، عملیات هدفمندی که هنوز متوقف نشده است واضحاً که موثریت ندارد.

دور از شکست، جدائی طلبان بلوچ قدرتمند تر، توانا تر و کشنده تر اند. آنها اکنون دشمنان اصلی هستند و به وضوح شرایط تعامل را تعیین کرده اند. هر گونه مذاکره با آنها فقط در مورد زمان و چگونگی تخلیه بلوچستان توسط عساکر پاکستانی خواهد بود. تا آنجائی که به عملیات در مقیاس بزرگ مربوط می شود، این به دشواری میتواند یک حق انتخاب باشد. این امر اردو را که با شورش تحریک طالبان پاکستان مبارزه می کند و با صدور تروریسم به هند تنش ها را شدت می بخشد، بیش از حد گسترش خواهد داد. این تمام فعالیت های اقتصادی را متوقف خواهد کرد. تا زمانی که عملیات ادامه داشته باشد، نه تنها در بلوچستان بلکه در پاکستان نیز سرمایه گذاری صورت نخواهد گرفت. عملیات نظامی پیشنهادی بسیار پر مصرف است، خصوصاً اینکه خزانه قبلاً خالی شده است.

مشکل چین این است که تا چه زمانی می تواند به پرداخت پول های خوب بعد از نتایج منفی در پاکستان ادامه دهد. مصارف اقتصادی یک سیاست ستراتیژیک که دور محور نگهداشتن یک شریک و متحد مریض مانند پاکستان می چرخد، چقدر است؟ نشانه هائی وجود دارد که نشان می دهد چینی ها در نجات پاکستان تا حدودی دست گرفته شده اند. اما یک معضله دوگانه پیش روی چینی ها قرار دارد. نمی توان غرق شدن گل سرسبد BRI را اجازه داد، زیرا این امر نتایج جدی برای بقیه طرح ها در سایر مناطق خواهد داشت. اما حفظ این گل سر سبد از نظر قوای انسانی و پول بسیار پرمصرف است. مشکل دیگر این است که ارزش ستراتیژیک پاکستان به خودی خود شکاکیت را بار می آورد اگر این کشور نتواند و یا ناتوان از ایستادن روی پای خود باشد. علاوه بر این، تمایل پاکستان به بازی با کارت چین برای جلب توجه ایالات متحده و کارت ایالات متحده برای دریافت بیشتر از چین نمایان است. بنابراین، جای تعجب نیست که نوعی ارزیابی مجدد در مورد مطلوبیت پاکستان و میزان سرمایه گذاری چین در آن کشور در جریان است.

پایان